

خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین

فهرست مطالب

حافظ شیرازی

شاعر بزرگ سده هشتم ه . ق
(۷۹۲-۷۲۷ ه . ق)

- زندگینامه
- دیوان حافظ؛ شاهکار حافظ
- زندگی سیاسی حافظ
- زندگی عرفانی حافظ شیرازی
- روز بزرگداشت حافظ
- دیوان حافظ (شاهکار حافظ)
- ترجمه‌ها یی از دیوان حافظ
- حافظ از نگاه غرب
- گوته و حافظ
- روکرت و حافظ
- ریچارد واگنر و حافظ
- حافظ و گوته: مروج فرهنگ جهانی
- ملاقات بین شرق و غرب - حافظ و گوته
- عشق‌ورزی حافظ در آئینه ادبیات آلمانی
- مصاحبه ای با کارل یوزف کوشل
- یادبود گوته و حافظ در وایمار
- یادبود حافظ در لایپزیگ
- اشعار حافظ و موسیقی غرب
- فال حافظ

ناشر:

موسسه فرهنگی سعدی

www.saadikultur.de



تاریخ انتشار: ۲۰ مهر ماه ۱۴۰۳

زندگی‌نامه



زندگی سیاسی حافظ

حافظ از جمله افرادی بوده که توانسته در زمان خود پیشرفت بسیار زیادی داشته باشد؛ زیرا دقیقاً در سن جوانی و در دهه بیست سالگی خود توانست وارد دربار «شیخ ابواسحاق» شود.

به مدت ۱۳ سال در دربار این شاه بود. «ابواسحاق» همواره به اشعار حافظ شیرازی علاقه داشت و توجه بسیار زیادی به آثار حافظ شیرازی نشان می‌داد؛ اما متأسفانه مدت حکومت «شیخ ابواسحاق» دیری نپایید و زندگی سیاسی حافظ درگیر یک جنگ و حمله از طرف «شیخ امیر مبارزه الدین» شد. «شیخ ابواسحاق» برای اینکه از این مهلکه جان سالم به در ببرد، از شیراز فرار کرد و پس از مدتی «امیر مبارزالدین» او را پیدا کرده و به قتل رساند.

با توجه به اینکه حافظ علاقه بسیار زیادی به «شیخ ابواسحاق» داشت، بسیار از این موضوع ناراحت و اندوهگین شد و چندین باب شعر در رابطه با فوت «ابواسحاق» سروده است. تقریباً حافظ در آستانه سن چهل سالگی بود که پسران «مبارزه الدین» تخت سلطنت را از پدر خود ربودند. در ۵ سالی که «امیر مبارزالدین» حاکم شیراز بود، حافظ شیرازی در منصب خود قرار نداشته و دیوانی دربار را انجام نمی‌داد؛ اما پس از اینکه «شاه شجاع» به سلطنت نشست، دوباره وارد دربار شد. با این حال متأسفانه مشکلاتی بین او و شاه شجاع به وجود آمد؛ به گونه‌ای که جان حافظ در خطر افتاد. به همین دلیل مجبور شد شیراز را ترک کند و به اصفهان برود.

خواجه شمس‌الدین محمد بن بهاء‌الدین حافظ شیرازی (۷۹۲-۷۲۷ ه. ق) شاعر بزرگ سده هشتم ه. ق یکی از سخنوران نامی جهان است. بیشتر شعرهای او غزل هستند که به غزلیات حافظ شهرت دارند.

معروف‌ترین القاب حافظ عبارتند از: لِسَانُ الْعُیُبِ، تَرْجُمَانُ الْأَسْرَارِ، لِسَانُ الْعُرَفَا و نَاطِمُ الْأَوْلِيَاءِ.

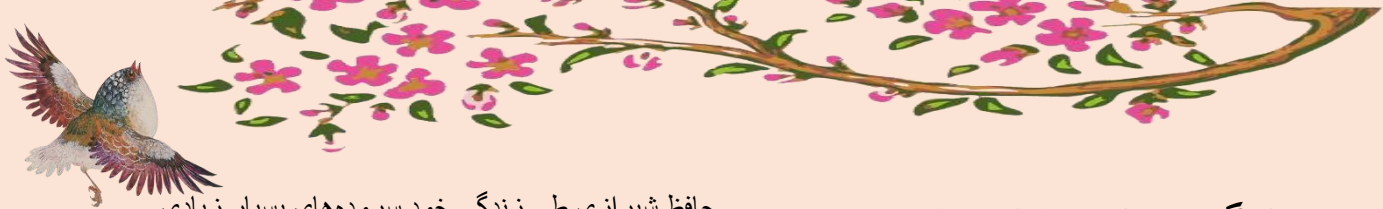
حافظ یکی از برجسته‌ترین شاعران در تاریخ ایران است که نه تنها در کشور ایران بلکه در بسیاری از بخش‌های مختلف جهان، محبوبیت بسیار زیادی دارد. او به دلیل اینکه قرآن را از حفظ داشت، لقب «حافظ» را دریافت کرد.

او از مهمترین تاثیرگذاران بر شاعران پس از خود شناخته می‌شود. در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی اشعار او به زبان‌های اروپایی ترجمه شد و نام او بگونه‌ای به محافل ادبی جهان غرب نیز راه یافت.

حافظ حدود سال ۱۳۲۶ میلادی در شیراز به دنیا آمد و در سال ۱۳۸۹ یا ۱۳۹۰ میلادی نیز در شیراز درگذشت و آرامگاه او، که حافظیه نام دارد، به یاد او ساخته شد. او فرزند سوم یک تاجر ثروتمند اهل شیراز بود، اما در کودکی پدرش را از دست داد و خانواده‌اش به سرعت دچار فقر شد. حافظ در دوران جوانی برای امرار معاش در یک نانوائی کار می‌کرد و همزمان از سوی یک پارچه‌فروش به سرودن شعر تشویق می‌شد. او در جوانی به‌طور جدی به مطالعه شعر فارسی و عربی، الهیات و تفسیر قرآن مشغول شد.

حافظ هنوز هم به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران زبان فارسی شناخته می‌شود. مشهورترین اثر او «دیوان حافظ» است.





زندگی عرفانی حافظ شیرازی

حافظ شیرازی طی زندگی خود سروده‌های بسیار زیادی داشته است. رباعی، قطعه و غزلیات حافظ در مجموعه دیوان حافظ گردآوری شده است که حدود ۵۰۰ غزل و ۴۲ رباعی درون آن وجود دارد. چندین قصیده نیز با شباهت بسیار زیاد از نظر وزن به غزلیات حافظ، در این کتاب به چشم می‌خورد.

گفته می‌شود مرگ حافظ شیرازی در سال ۷۹۲ هجری قمری اتفاق افتاده است. محل به خاک سپردن حافظ در «گلگشت مصلی» در شهر شیراز است. این منطقه آب و هوای مناسبی داشته و سرسبز و زیباست. امروزه کمتر کسی پیدا می‌شود با ورود به شهر شیراز، از آرامگاه حافظ دیدن نکند. ورود به آرامگاه حافظ و مشاهده فضای دلنشین و آرامی که اطراف آرامگاه او وجود دارد، برای بسیاری از افراد جذاب است و به یکی از مکان‌های مهم دیدنی و تاریخی در ایران زمین تبدیل شده است.

جدا از بعد سیاسی زندگی حافظ شیرازی، می‌توان به بعد عرفانی زندگی او نیز اشاره کرد که نقطه عطف و مهمی در زندگی حافظ بوده است. این موضوع برای بسیاری از افراد آشناست. ملاقات حافظ با «عطار نیشابوری» توانست تا حدود زیادی زندگی حافظ را تغییر دهد. بسیاری از آثار حافظ شیرازی از ملاقات با «عطار» سرچشمه گرفتند.

حافظ پس از ملاقات با «عطار» شاگردی او را می‌کرد و در کنار استادش، فرهنگ و ادب را می‌آموخت. «عطار» سعی کرد به حافظ شیرازی بیاموزد که روح قدرتمند است و می‌تواند علم و عرفان را به خود جذب کند. حافظ هنگامی که به سن ۶۰ سالگی رسیده بود معلومات علمی و ادبی بسیار زیادی داشت؛ اما سرودن شعر را متوقف نکرد و تا زمان مرگ خود شعر می‌سرود.



www.iichs.ir

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران de Khadjé Hafez



روز بزرگداشت حافظ

۲۰ مهر (۱۲ اکتبر) در ایران به عنوان رویداد فرهنگی مهمی برای گرامیداشت حافظ، شاعر و عارف بزرگ ایرانی، شناخته می‌شود.

این روز به عنوان روز حافظ در ایران جشن گرفته می‌شود. بسیاری از نویسندگان، دانشمندان و علاقه‌مندان از سراسر جهان به ایران می‌آیند و در کنار آرامگاه حافظ که به نام «حافظیه» نیز شناخته می‌شود و در شیراز، استان فارس واقع شده است گرد هم می‌آیند تا اشعار او را بخوانند و مراسم ویژه‌ای برگزار کنند.

آرامگاه حافظ که در سال ۱۹۳۵ ساخته شده، به طراحی معمار و باستان‌شناس معروف فرانسوی، آندره گودار، است. این آرامگاه و باغ‌های اطراف آن یکی از بزرگترین جاذبه‌های گردشگری در شیراز به حساب می‌آید.



عشق بی‌پاسخ، جدایی و دلتنگی، ناپایداری زندگی و اجتناب‌ناپذیری سرنوشت.

حافظ چیرمدست‌ترین غزل سرای زبان فارسی است ، او از آیات قرآن مجید در اشعار خود به طور مکرر استفاده کرده است :

« ندیدم خوش تر از شعر تو حافظ

به قرآنی که اندر سینه داری »

(غزل ۴۴۷)

« صبح خیزی و سلامت طلبی

هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم »

(غزل ۳۱۹)

او برخی از حدیث‌های قدسی را نیز تبدیل به غزل‌های وزینی کرده است از جمله غزل ۲۰۶ که در آن دو بیت زیر آمده است :

« پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود

مهر ورزی تو با ما شهره آفاق بود

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

ما به او محتاج بودیم و او به ما مشتاق بود »

دیوان حافظ (شاهکار حافظ)

کتاب مشهور حافظ، «دیوان»، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار ادبی فارسی شناخته می‌شود. این مجموعه شعر به‌قدری برای ایرانیان ارزشمند است که معمولاً هر خانواده ایرانی یک نسخه از آن را در منزل دارد. حافظ در اشعارش به مضامین عمیق انسانی، عشق، عرفان و جدایی می‌پردازد و به همین دلیل در مناسبت‌های مختلفی چون نوروز یا شب یلدا، ایرانیان دور هم جمع می‌شوند تا شعرهای او را بخوانند و از زیبایی‌های ادبیات فارسی لذت ببرند.

دیوان حافظ پس از مرگ او گردآوری و منتشر شد و در حدود ۱۰۰۰ نسخه خطی از آن در اروپا و مشرق‌زمین باقی مانده است. غزلیات حافظ به‌عنوان نمونه‌هایی از کمال و زیبایی در فرم شناخته می‌شوند. در بسیاری از غزلیات، ابیات از نظر معنایی به هم پیوسته‌اند، اما گاهی نیز اندیشه‌های پراکنده و جدا از هم وجود دارد. از موضوعات تکراری در اشعار او می‌توان به مضامین متداول در غزل‌های فارسی اشاره کرد:

و یا غزل ۱۵۲ با مطلع :

« در ازل پر تو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد »

حافظ در بهره‌یابی و اخذ و اقتباس از آیات قرآن، استادی چیره دست است. او با این کتاب مقدس آسمانی انس و الفتی خاص داشت و آنگونه که خود در غزل شماره ۹۴ اشاره کرده آن را با چهارده روایت در حفظ داشته است :

« عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ

قرآن ز بر بخوانی با چهارده روایت »

ترجمه این دیوان توسط جوزف فون هامر- پورگشتال در سال ۱۸۱۳/۱۸۱۲، الهام بخش گوته برای نوشتن «دیوان غربی-شرقی» شد. همچنین، آگوست فون پلاتن-هالمونده و فریدریش روکرت ترجمه‌های دیگری از این اثر انجام داده‌اند.

در فضای آلمانی‌زبان، آثار حافظ عمدتاً از طریق ترجمه‌های جوزف فون هامر-پورگشتال (۱۸۱۲) و وینسنت روزنتسوایگ فن شواناو (۱۸۶۴-۱۸۵۸) و همچنین از طریق پذیرش آن توسط گوته (دیوان غربی-شرقی، ۱۸۱۹) شناخته شد.

متأسفانه در اروپا، غزلیات حافظ غالباً معمولاً به صورت مستقیم و تحت‌اللفظی تفسیر می‌شدند.



* ترجمه‌ها از دیوان حافظ *

• یوهان کریستوف بویرل (ویراستار): اشعاری از دیوان (= کتابخانه جهانی ریکلام، جلد ۹۴۲۰). دیتزینگه ۱۹۸۶. شابک ۸-۰۰۹۴۲۰-۱۵-۳. چاپ بدون تغییر نسخه‌ی کتابشناسی تکمیل‌شده ریکلام از سال ۱۹۷۷.

• اشعار عاشقانه حافظ. ترجمه از سایروس آتابای. انتشارات زنده‌رود، فرانکفورت ۱۹۸۰. شابک ۳-۴۵۸-۱۹۰۰۹.

• یوآخیم وله‌لین: غزلیات حافظ. به نثر آلمانی جدید ترجمه شده، با مقدمه و راهنماهای خواندن. کونیگهاوسن و نوئمان، وورزبرگ ۲۰۰۴. شابک ۳-۸۲۶۰-۲۶۸۸-۸.

• جلال رستمی گوران (ویراستار): غزلیات از «دیوان» محمد شمس‌الدین حافظ. اشعار فارسی، خطاطی‌شده به دست ابوالقاسم و شمس، از قرن چهاردهم با ترجمه‌ی آلمانی فریدریش روکرت. ویرایش سوم. گوته و حافظ، بن ۲۰۰۸. شابک ۳-۹۷۸-۰۰-۹۴۰۷۶۲-۰۰-۹.

• دو جلدی کلک‌هیم ۱۹۹۹.

شابک ۳-۹۸۰۶۷۹۹-۳-۴.

• دیوان حافظ: به زبان فارسی توسط جوزف فون هامر-پورگشتال. با مقدمه‌ای از استفان وایدنر. اشتوتگارت ۲۰۰۷. شابک ۱-۴۱۵-۸۶۶۱۵-۳.

• فریدریش روکرت: گل‌های شرقی. بروکهاوس، لایپزیگ ۱۸۲۲.

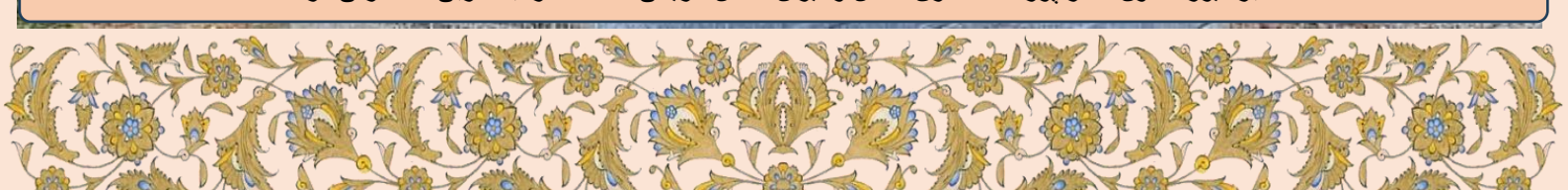
• جورج فریدریش داومر: حافظ. مجموعه‌ای از اشعار فارسی. به همراه افزودنی‌های شاعرانه از ملت‌ها و کشورهای مختلف. هوفمان و کامپه، هامبورگ ۱۸۴۶، صفحات ۱-۱۵۰ و ۲۸۷-۳۱۶.

• وینسنت روزنتسویگ فن شواناو: دیوان. چاپخانه سلطنتی و دولتی، وین ۱۸۵۸-۱۸۶۴.

• فریدریش فون بودنشتند: خواننده شیراز. انجمن عمومی ادبیات آلمانی، انتشارات هوفمان و کمپ، برلین ۱۸۷۷.



مقبره یوزف فون هامر پورگشتال شرق شناس و ایران شناس اتریشی که حافظ را به غربی‌ها معرفی کرد



حافظ از نگاه غرب

گوته و حافظ

یوهان ولفگانگ فون گوته

زمانی که دیوان حافظ به همت جوزف فون هامر-پورگشتال برای نخستین بار به زبان آلمانی ترجمه شد، یوهان ولفگانگ گوته به یکی از پرشورترین و مشتاق‌ترین خوانندگان آن تبدیل گشت. این اثر در کتابخانه دوشس آنا آمالیا در وایمار نگهداری می‌شود. گوته، که از این نسخه‌ی پربحث و تفسیر الهام گرفته بود، از سال ۱۸۱۴ به سرودن مجموعه شعر خود با عنوان «دیوان غربی-شرقی» (۱۸۱۹) پرداخت.

در سن ۶۵ سالگی، گوته برای نخستین بار اشعار ترجمه‌شده حافظ، شاعر ایرانی، را که توسط یوزف فون هامر-پورگشتال انجام شده بود، مطالعه کرد. او به حافظ لقب «نظری بر جهان» داد و از آن زمان خود را «دوقلوی» او محسوب کرد. مجموعه شعر «دیوان غربی-شرقی» که در سال ۱۸۱۹ منتشر شد، به عنوان یک ادای احترام به این شاعر بزرگ ایرانی و همچنین

در غرب، علاقه به شاعر و عارف ایرانی حافظ (۱۳۹۰-۱۳۱۵) در قرن هجدهم با ترجمه‌های سر ویلیام جونز (۱۷۹۴-۱۷۴۶) در انگلستان افزایش یافت. ترجمه‌ی آلمانی بارون هامر-پورگشتال در قرن نوزدهم موجب شد که گوته به نگارش اثر «دیوان غربی-شرقی» (۱۸۱۹) بپردازد. هنر شاعری حافظ در گوته به قدری شور و شوق ایجاد کرده بود که او او را به عنوان «حافظ مقدس» و «دوست آسمانی» خطاب می‌کرد. به دنبال الهام از «دیوان غربی-شرقی» گوته، تعدادی از شاعران آلمانی، از جمله روکرت و گراف پلاتن، اشعاری با الهام از غزلیات حافظ سرودند، که این فرم شعری در ادبیات فارسی به اوج خود رسید. همچنین نیچه، فیلسوف آلمانی، نیز از جمله اندیشمندان آلمانی بودند که تحت تأثیر و جاذبه‌ی آثار حافظ قرار گرفتند.



گفت‌وگویی شاعرانه درباره کشورهای مختلف و دوران‌های گوناگون تلقی می‌شود.

این مجموعه، که در سال ۱۸۲۷ منتشر شد، به عنوان بزرگ‌ترین مجموعه شعر گوته شناخته می‌شود و تحت تأثیر آثار حافظ قرار دارد. نسخه خطی این اثر به همراه آرشیو گوته و شیلر از سال ۲۰۰۱ به فهرست میراث جهانی یونسکو افزوده شد.

دیوان غربی-شرقی گوته

به آلمانی: (West-Östlicher Divan) اثری از یوهان ولفگانگ فون گوته، شاعر، فیلسوف و دانشمند آلمانی، است که در سال ۱۸۱۹ منتشر شد. این کتاب به نظم سروده شده‌است و نویسنده بیشتر در آن از نمادها و عناصر ادبیات شرقی و ایرانی الهام گرفته‌است.

این کتاب که گفتارهای گوناگون آن از حافظ و فرهنگ ایرانی الهام گرفته، از یکسو بازتابانندهٔ باورها و اندیشه‌های ایرانی و به ویژه حافظ و از سوی دیگر بازتاب‌دهندهٔ نگاه منتقدانهٔ گوته به آن‌هاست. در سراسر این دیوان، گفته‌ها، پندارها و شخصیت و نام حافظ به

کرات مشاهده می‌شود؛ نویسنده بارها در کتاب خود را مرید و تأثیر پذیرفته از حافظ می‌داند گویی، وی برای سرودن بیشتر شعرهای دیوان از حافظ یاری جسته‌است. در این دیوان واژگان فارسی و عربی بسیاری نظیر بلبل، ساقی، درویش، حوری، الله، مشک، میرزا، مفتی، وزیر، ترک و غیره یافت می‌شود که به همان وجه به کار رفته‌اند. دیوان غربی- شرقی جزء واپسین آفریده‌های گوته به‌شمار می‌رود. او در جایی این کتاب را به عنوان «برآیند زندگی خود» معرفی می‌کند.

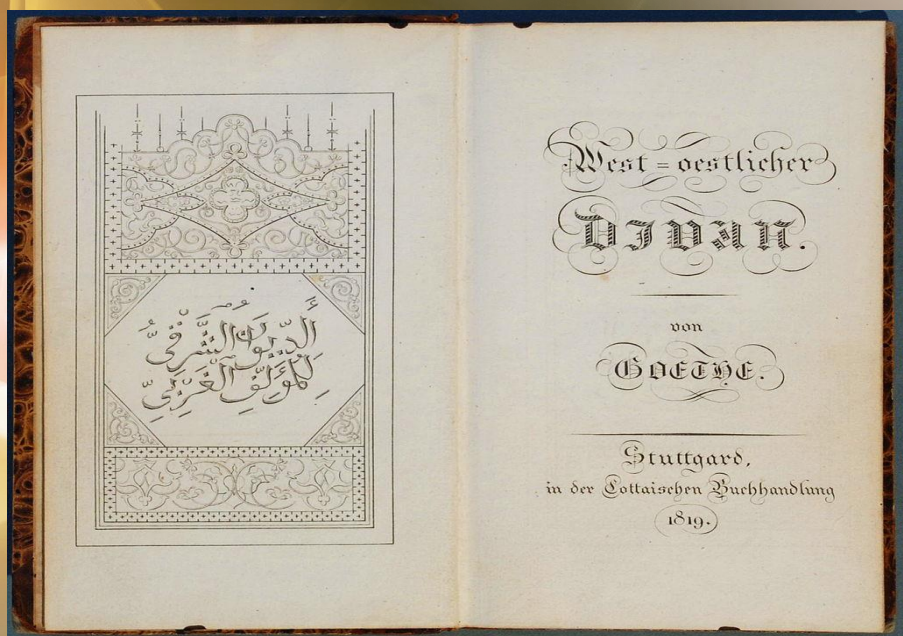
ترجمه به فارسی

دیوان غربی-شرقی گوته برای سه بار توسط مترجمان ایرانی به فارسی ترجمه شد.

ابتدا این اثر توسط شجاع‌الدین شفا به صورت آزاد ترجمه و برای بار دوم توسط کورش صفوی به ترجمه کامل این اثر اقدام و توسط انتشارات هرمس منتشر شد. ترجمه سوم از «دیوان شرقی غربی» توسط انتشارات کتاب پارسه با ترجمه محمود حدادی و با مقدمه‌ای از برند اربل سفیر آلمان منتشر شد.

عنوان و مقدمه نسخه اولیه «دیوان غربی-شرقی»

عنوان‌نامه و تصویر مقدماتی نسخه اولیه «دیوان غربی-شرقی» که توسط کارل ارمر به صورت مسی حکاکی شده، نمایانگر ارتباط عمیق ادبیات شرقی و غربی است. متن عربی در این تصویر به طور لفظی به معنای «دیوان شرقی از نویسنده غربی» ترجمه می‌شود. این تصویر به خوبی نمادین است از دیالوگ فرهنگی و تبادل اندیشه‌ها بین دو تمدن بزرگ.



روکرت و حافظ

مجموعه شعر «دیوان غربی-شرقی» به دوازده کتاب تقسیم‌بندی شده است و در اشعارش به بسیار به ادبیات فارسی نزدیک است.

از اشعار گوته در این مجموعه می‌توان به ابیاتی اشاره کرد که در آنها تأثیر عمیق حافظ بر او را مشاهده می‌کنیم

در نخستین چاپ «دیوان غربی-شرقی» که در سال ۱۸۱۹ در «اشتوتگارت» منتشر شد، شامل دوازده کتاب و بخش‌های زیر است:

۱. مغنی نامه – کتاب خواننده
۲. حافظ نامه – کتاب حافظ
۳. مهر نامه – کتاب عشق
۴. تفکیر نامه – کتاب تأملات
۵. رنج نامه – کتاب بی‌تابی
۶. حکمت نامه – کتاب گفته‌ها
۷. تیمور نامه – کتاب تیمور
۸. زلیخا نامه – کتاب زلیخا
۹. ساقی نامه – کتاب شراب‌نوشی
۱۰. مثل نامه – کتاب تمثیل‌ها
۱۱. پارسی نامه – کتاب پارسیان
۱۲. خلد نامه – کتاب بهشت

فریدریش روکرت در ۱۶ مه ۱۷۸۸ در شواین‌فورت، شمال ایالت بایر (باواریا)، به دنیا آمد.

روکرت سخت تحت‌تأثیر گوته بود و در سال ۱۸۱۷ به تأسی از شاعر بزرگ دوران به ایتالیا سفر کرد و با تمدن رومی و فرهنگ رنسانس آشنا شد. در راه بازگشت از این سفر بود که در سال ۱۸۱۸ به وین رسید و به دیدار یوزف فون هامر پورگشتال، خاورشناس نامدار اتریشی رفت.

هامر پورگشتال به تازگی دیوان حافظ را به آلمانی ترجمه کرده و غزل‌سرای بزرگ ایران را در سراسر غرب به شهرت رسانده بود. تحت تأثیر همین اثر، گوته در حال نگارش دیوان غربی – شرقی خود بود.

این دیدار ذهن و روح روکرت را دگرگون کرد و او را به سوی عالم مشرق راند. او نزد هامر پورگشتال زبان‌های فارسی و عربی و ترکی را فرا گرفت و از آن پس زندگی خود را وقف زبان و ادبیات شرق کرد. او نخست به ترجمه برخی از غزلیات "دیوان شمس" مولانا دست زد و سپس برخی از زیباترین اشعار حافظ و سعدی و جامی و فردوسی را به آلمانی‌زبان‌ها ارائه کرد.




آنه ماری شیمل (۱۹۲۲ - ۲۰۰۳) شرق‌شناس نامی و کارشناس برجسته‌ی ادبیات خاورزمین در این باره می‌نویسد: «غزل را در سال ۱۸۱۹ روکرت به زبان آلمانی وارد کرد و این قالب شعری به ویژه در میانه‌ی قرن نوزدهم در میان شاعران آلمانی طرفداران زیادی پیدا کرد.»

هیچ شاعر آلمانی دیگری به اندازه‌ی فریدریش روکرت به آثار حافظ نپرداخته است. روکرت با تسلط بر زبان فارسی، موفق شد اشعار حافظ را به زبان اصلی بخواند. در سال ۱۸۲۲، کتابی به نام «گل‌های شرقی» در لایپزیگ و توسط انتشارات بروکهاوس منتشر شد که شامل ۳۶۵ شعر بود. هرچند دیوان گوته و گل‌های روکرت از تأثیرپذیری از شعر فارسی نشأت گرفته‌اند، اما از نظر بنیادی با یکدیگر متفاوتند. در حالی که گوته در دیوان خود به کل شعر شرقی نظر دارد، روکرت به‌طور خاص بر حافظ تمرکز کرده است. این تمرکز به‌ویژه زمانی روشن می‌شود که او در پایان یکی از اشعارش به‌طور مستقیم نام حافظ را ذکر می‌کند:

,Die Gazelle sollte springen
,Nachtigall den Gruß erwidern
Wenn ich trunken wollte singen
Stellen aus Hafisens Liedern





روکرت در شعرهای خود از تصویرهای زیبایی چون گل، بلبل، شراب، پیچ و تاب موی معشوق، عشق و ناپایداری که در اشعار حافظ جلوه‌گر است، بهره می‌برد و شعر خود را در سنت بزرگترین الگوی خود قرار می‌دهد. او در آغاز این مجموعه شعر به این نکته تأکید می‌کند که پرداختن به شعر شرقی نیازمند جدیتی خاص است تا بتوان ابعاد عرفانی آن را درک کرد:

وقتی در فضای ادبی آلمان و ایران بارها به این نکته اشاره می‌شود که گوته در دیوان خود از اشعار حافظ الهام گرفته است، این نکته بیشتر بر روکرت و «گل‌های شرقی» او صدق می‌کند:

Wie die Kerze

,Ist Hafis in Liebesgluth zerstoßen

Freimunds Herze

Hat die hellen Funken aufgehoben

روکرت مجموعه‌ای از غزل‌های مولانا و حافظ را به زبان آلمانی ترجمه کرد. ترجمه‌های او تا امروز از زیباترین و شیواترین برگردان‌های ادبیات فارسی به زبان‌های خارجی شناخته می‌شوند. روکرت از ترجمه خشک و مفهومی اشعار دوری کرد و کوشید قافیه و آهنگ هر غزل را نیز در ترجمه منتقل کند. با همت او این تلاش به زودی به بار نشست و باعث شد که قالب غزل به زبان آلمانی وارد شود.



* * ریچارد واگنر و حافظ * *

بدین ترتیب، استاد بایروتی در نامه‌ای به تئودور اوهلیگ در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۸۵۲ نظر خود را درباره محمد شمس‌الدین حافظ چنین ابراز کرد:

مارکوس فیدلر

«این حافظ ایرانی بزرگترین شاعر است که تاکنون زندگی کرده و شعر سروده است. اگر تو هم‌اکنون به سراغ او نروی، به شدت از تو متنفر خواهم شد.» حدود یک ماه بعد، واگنر در نامه‌ای به اوهلیگ دوباره به حافظ اشاره می‌کند: «فقط با دقت حافظ را مطالعه کن:

تا به امروز کمتر به این نکته توجه شده که آهنگساز آلمانی، ریچارد واگنر (۱۸۸۳-۱۸۱۳)، به‌طور شگفت‌آوری از شاعر ایرانی حافظ تمجید کرده است و این تمجیدها تنها به یک مورد محدود نمی‌شود. باید پذیرفت که این ارادت به حافظ می‌تواند بر آثار او نیز تأثیر گذاشته باشد.

او بزرگترین و والاترین فیلسوف است. به‌طور قطع و بی‌تردید، کسی همچون او به چنین موضوعی آگاهی نداشته است.»

در جایی دیگر نیز اشتیاق واگنر به حافظ بروز می‌کند. او در نامه‌ای به آگوست روکل در سپتامبر ۱۸۵۲، حافظ را «بزرگترین شاعر» معرفی می‌کند و می‌گوید: «از اشعار او هم‌اکنون یک ترجمه‌ی بسیار دلپذیر به زبان آلمانی توسط داوومر موجود است.» همچنین در همان نامه به روکل، واگنر به‌مثال حافظ ارزیابی خود از فرهنگ شرقی را ابراز می‌کند و می‌گوید:

ریچارد واگنر در سال ۱۸۵۲ هنگامی که بر روی اپرای «رینگولد» کار می‌کرد، به حافظ توجه نشان داد. شایان ذکر است که این امر پیش از ورود او به آثار شوپنهاور اتفاق افتاد. واگنر در سال ۱۸۵۴ - به پیشنهاد دوستش، جورج هرموه - به خواندن کتاب «دنیا به‌عنوان اراده و تصور» شوپنهاور پرداخت. این مطالعه منجر به اشتیاقی عمیق به فلسفه‌ی بدبینی شوپنهاور شد که تا پایان عمر او ادامه یافت. در سالن ویلا واهنفرد در بایروت، هنوز هم می‌توان تصویری بزرگ از شوپنهاور را مشاهده کرد.





«من همچنین می‌خواهم شاعری را معرفی کنم که اخیراً او را بزرگترین شاعر شناخته‌ام: او حافظ شاعر ایرانی است که اشعار او در حال حاضر اقتباس بسیار لذت بخش او به آلمانی به ترجمه داوومر موجود است. آشنایی با این شاعر مرا با وحشت بسیار واقعی ای فراگرفته است: ما با فرهنگ فکری اروپایی پر زرق و برق خود، باید در حضور این محصول استوار، همراه از آرامش خاطر و متعالی مشرق زمین، خجل باشیم.»

با توجه به اینکه «واگنر – برخلاف آثار صحنه‌های اش – در آثار کنسرتی و آهنگ‌هایش نیز شعرهای خارجی را به تصویر کشیده است»، جای شگفتی است که «در میان متن‌های خارجی که او آهنگسازی کرده، اثری از حافظ یافت نمی‌شود.» برای مثال، فردریک لونیتر ریتر (۱۸۳۴-۱۸۹۱) اوپوس ۱ خود را تحت عنوان «حافظ: یک مجموعه شعر از اشعار او» تألیف کرده است. به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان به آهنگسازی «دوازده شعر عاشقانه حافظ»، اوپوس ۹، از آهنگساز بالتیک، امیل ماتیسسن (۱۸۷۵-۱۹۳۹) اشاره کرد.

Lehrtätigkeit am Al-Mustafa Institut Berlin:
Berufsorientiertes Modul, E-mail:
.info@almustafa.de

Mit der Ausnahme von einem kurzen Artikel von Prof. Dr. Peter P. Bachl unter dem Titel „Die Hafis-Rezeption in der Nachromantik“, GRIN-Verlag 2013. Die nachromantische Hafis-Rezeption ist für ihn ein „Nachhall von Richard Wagner“ (Ebenda, S. 6) Der Einfluss von Hafiz auf Wagner wird dabei allerdings gerade Mal .mit einer halben Seite behandelt

Richard Wagner an Theodor Uhlig, 12. September 1852. In: Wagner-Briefe, a. a. O., S. .476

Wagner an Uhlig, 14. Oktober 1852. In: Richard Wagner: Sämtliche Briefe, Bd. 5. .Leipzig 1993, S. 80

Richard Wagner an August Röckel, 12. September 1852. In: Richard Wagner: Sämtliche Briefe, Leipzig 1979, Bd. 4, S. 472

Richard Wagner an August Röckel, 12. September 1852. In: Richard Wagner: .Sämtliche Briefe, Leipzig 1979, Bd. 4, S. 472

Cosima Wagner: Die Tagebücher. München .1977, Bd. 2, S. 516

Peter P. Pacht, Die Hafis-Rezeption in der Nachromantik 2003, S. 6

.Vgl. ebenda



© Imago Images

شاید بتوان این فرهنگ مشترک را «فرهنگ جهانی» نامید.

این فرهنگ جهانی باید دو عنصر مهم داشته باشد: یکی از غرب و دیگری از شرق. این فرهنگ باید نتیجه و ترکیب هر دو نوع فرهنگ باشد. «فردیت» و «وحدت وجود» دو عنصر کلیدی این فرهنگ هستند. آنچه که غرب به ارمغان می‌آورد، فردیت و احترام به شخصیت و ارزش فردی است. آنچه که شرق ارائه می‌دهد، آرزوی «وحدت وجود» و اتصال فرد به یگانگی نامتناهی است که در سنت ادبی و عرفانی ایران برداشت‌های متعددی از آن وجود دارد. این دو مفهوم ظاهراً نمی‌توانند به سادگی به هم مرتبط شوند، اما تلاش‌های بزرگ‌ترین فیلسوفان آلمانی، از هگل تا نیچه و هایدگر و همچنین کوشش‌های مهم گوته در تفسیر حافظ همگی در این راستا قرار دارند. به نظر می‌رسد که تفسیر گوته از حافظ، دور از معانی و اهداف حافظ نیست و به‌طور عمیق با حکمت کهن ایرانی همبسته است.

اگر بتوانیم زمینه‌ای برای تحقق چنین «فرهنگ مکملی» برای فرهنگ‌های غرب و شرق فراهم کنیم، پایه‌های جدی برای آشتی و گفت‌وگو و تعامل فرهنگی واقعی ایجاد خواهد شد. به این ترتیب، حرکاتی برای

حافظ و گوته:

** مروج فرهنگ جهانی **

احمد علی حدیری، علی اسپسیان

تلاش‌های بسیاری برای نزدیکی، آشتی و درک متقابل میان فرهنگ‌های شرقی و غربی صورت گرفته است. اما در دوران مدرن، یوهان ولفگانگ گوته شاید نخستین کسی باشد که گام بزرگی در این راستا برداشت و آغوشی گرم و دوستانه به سوی شرق گشود. تفسیر ویژه گوته از حافظ، شاعر ملی ایران، می‌تواند نقطه عطفی بسیار مهم برای گفت‌وگویی عمیق و فکری میان شرق و غرب باشد. از این منظر، می‌توان به آشتی و نوعی وحدت میان این دو قطب مهم اندیشید.

آشتی در دیگر حوزه‌ها بدون آشتی فرهنگی غیرممکن است.

گوته گام مهمی برداشت تا غرب را به سمت این فرهنگ مشترک سوق دهد. تفسیر او از حافظ همچنین راه را برای شرق به سوی این فرهنگ جهانی هموار کرد.



پیشرفت و ترویج فرهنگ، تفکر و هنر شکل خواهد گرفت و روح جدیدی به کالبد جهان دمیده خواهد شد. حافظ و گوته بی‌شک می‌توانند نقاط آغازین بسیار مهم و عمیق در این زمینه باشند.

تفسیر ارائه شده در این نوشتار از حافظ، ویژگی این فرهنگ مشترک را دارد، یعنی «مجموعه‌ای از فردیت و وحدت وجود». به نظر می‌رسد که گوته با دیدگاه و بیان خاص خود از حافظ، همان تفسیر را دارد.

تمامی سنت عرفانی پیش از حافظ به هدف محو در الهیت و حل شدن فرد در اصل وجود می‌پرداخت. این سنت بقا و دوام فرد را در انحلال او در خدا می‌دانست. برای توضیح این مطلب با مثالی ساده، باید به مثالی مشهور از عرفای معمولی اشاره کرد: قطره آبی که به دریا می‌رسد. این قطره یک موجود واحد است و وقتی از آسمان می‌افتد، یک قطره است، اما وقتی به دریا می‌رسد، دیگر یک قطره نیست، بلکه بخشی از دریا می‌شود. اگرچه حافظ خود عارفی است و حتی بر اساس آیین برخی از فرقه‌های عرفانی عمل می‌کند و همیشه لباس صوفیانه به تن دارد، اما او همچنین منتقد این سنت عرفانی است.

****منبع: اشپکتروم ایران**

حیدری، احمدعلی. استاد دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

اسیسیان، علی (دکتری) مترجم و پژوهشگر مستقل در فلسفه و ادبیات

از ایام ارحام الساقی اور کاسا و ناولا
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها
به بوی نغمه‌ای که خرمبازان طره بکشاید
ز تاب بعد شکستش به خون اقاد در دل‌ها

Begegnung zwischen Ost und West - Hafis und Goethe

Manfred Lorenz

Bild von Yanite Koppens auf Pixabay

در شرایط سخت و فقیرانه‌ای بزرگ شده و با این حال، تحصیلات عمیق و گسترده‌ای در علم و ادب داشته است.

به سبب توانایی‌اش در قرائت قرآن به طور کامل از حفظ، او به لقب «حافظ» (به معنای نگهبان و حافظ) شناخته می‌شود.

از این شاعر ایرانی آثار شگفت‌انگیزی به یادگار مانده است که اگرچه از لحاظ تعداد محدودند، اما از لحاظ غنای محتوا و مهارت زبانی بی‌نظیرند. ورنر سوندرمن، در آنتولوژی شعر کلاسیک فارسی‌اش تحت عنوان «ستایش معشوق» می‌نویسد که شعرهای حافظ بر پایه «تسلط تقریباً بدون زحمت بر تمامی ابزارهای زبان هنری سنتی» است. او به گونه‌ای توانسته است تنوعی از حالات، احساسات، تجربیات و شهود را منتقل کند که حس صداقت و واقعیت عمیق را در خواننده ایجاد می‌کند، حتی اگر این تجربیات بر اساس واقعیات زندگی نباشند.

حافظ به عنوان برجسته‌ترین شاعر ادبیات کلاسیک فارسی شناخته می‌شود. در این زمینه «کلاسیک» به ادبیات به زبان فارسی نو از قرن نهم تا شانزدهم اشاره دارد.

ملاقات بین شرق و غرب

حافظ و گوته

پروفسور دکتر منفرد لورنز

رابطه متقابل میان اروپا و شرق از دیرباز مورد توجه بوده است. ما آگاهی‌م که شرق به طور مکرر تحت تأثیر اندیشه‌های اروپایی در زمینه‌های فرهنگی و فنی قرار گرفته و همچنین تأثیرات تفکر شرقی بر جنبه‌های مختلف زندگی در غرب مشهود است. آثار ادبی و تاریخی، همچون رمان «پزشک» اثر نوح گوردون و مستندهای تلویزیونی آلمان درباره پادشاه استیفانی، فردریک دوم، به عنوان شواهدی از این تبادل فرهنگی به حساب می‌آیند.

در عرصه شعر، دو نام حافظ و گوته همواره به عنوان نمادهای این تأثیر متقابل ذکر می‌شوند.

حافظ، شاعر بزرگ ایرانی، بین سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۶ در شیراز متولد شد. اطلاعاتی درباره زندگی او بسیار اندک است، اما روایت‌ها حاکی از آن است که او

معرفی کتاب :

عشق‌ورزی حافظ

در آئینه ادبیات آلمانی

پروفسور دکتر ناصر کنعانی

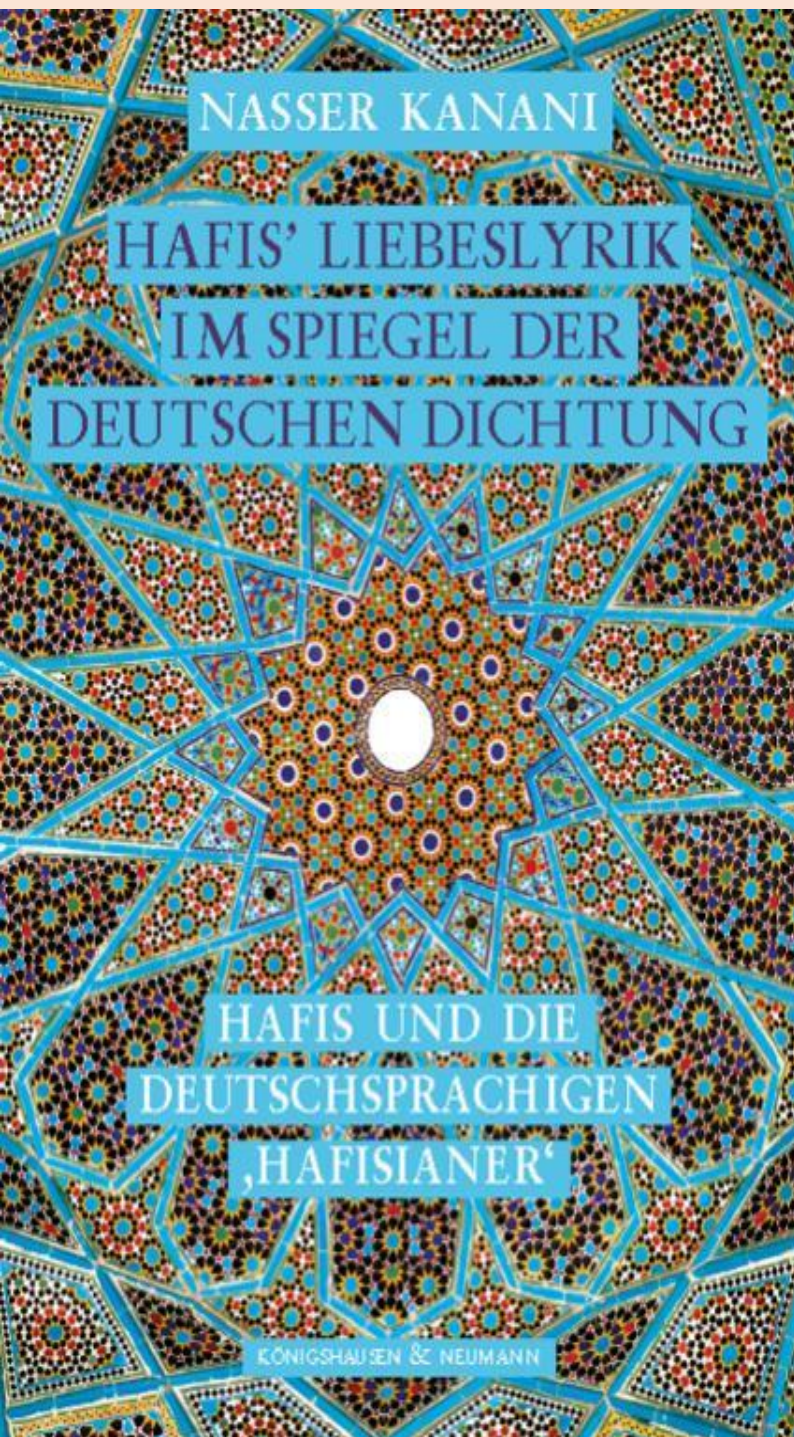
نویسنده کتاب، پروفسور دکتر ناصر کنعانی، مهندس و دانشمند علوم طبیعی است که ۲۰۰ مقاله علمی و ۶ کتاب تخصصی تألیف کرده است. او همچنین چندین کتاب درباره شخصیت‌های برجسته ایرانی و یک کتاب درباره موسیقی ایرانی نوشته است. آخرین اثر او «حافظ، بزرگ‌ترین شاعر زبان فارسی» در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است و به‌خاطر کارهایش به عنوان نویسنده چندین جایزه دریافت کرده است.

حافظ، برجسته‌ترین و محبوب‌ترین شاعر زبان فارسی، با شعرهای خود نسل‌های بسیاری از شاعران ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است. اشعار وی به گونه‌ای فرم‌گرایانه و بی‌نظیر هستند که درخشش نام او تمامی نسل‌های شاعران در ایران را تحت شعاع قرار داده است. در فضای ادبیات آلمانی نیز، حافظ به شهرتی بی‌نظیر دست یافته و اشعارش بیش از ۳۰ بار به طور کامل یا جزئی به زبان آلمانی ترجمه شده‌اند.

شاعران مشهور و کمتر شناخته‌شده‌ای تحت تأثیر عشق‌ورزی‌های حافظ قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، گوته، شاعر بزرگ آلمانی، ابراز کرده است که: «و اگر تمام دنیا در هم شکنند، با تو، فقط با تو، حافظ، می‌خواهم رقابت کنم!»

کتاب حاضر به بررسی ۱۲۶ شاعر آلمانی‌زبان از قرن نوزدهم تا بیست و یکم می‌پردازد که آثار حافظ را ترجمه یا بازنویسی کرده‌اند یا خود غزلیاتی به سبک حافظ سروده‌اند. این ترجمه‌ها و بازنویسی‌ها بسیاری از آهنگ‌سازان را نیز به خلق آثار موسیقایی جدید الهام بخشیده است. ریچارد واگنر درباره حافظ نوشته است: «حافظ بزرگ‌ترین شاعری است که تا به حال زندگی کرده و شعر سروده است؛ او بزرگ‌ترین و والاترین فیلسوف است.»

درباره نویسنده:





مصاحبه‌ای با کارل-یوزف کوشل در مورد

حافظ و گوته:

در مصاحبه‌ای با کارل-یوزف کوشل، وی به بررسی رابطه گوته و آثار حافظ می‌پردازد و از دلایل عدم توجه به این رابطه در جامعه آلمان سخن می‌گوید. او تأکید می‌کند که گوته، با وجود نفرت تاریخی از اسلام که ریشه در سنت‌های مذهبی و فرهنگی دارد، توانسته است خود را از این پیش‌داوری‌ها رها کند و به درک مستقلی از فرهنگ و دین اسلام برسد.

نکات کلیدی در این مصاحبه:

۱. **تحلیل گوته از اسلام**: کوشل به تأثیرات جنگ‌های صلیبی و مذهب بر افکار عمومی اشاره می‌کند و می‌گوید که گوته از این پیش‌زمینه آگاه بوده و تلاش کرده است تا با نگرش انتقادی به مطالعه قرآن و ادبیات شرقی بپردازد.

۲. **محوریت حافظ در شعر گوته**: گوته پس از آشنایی با اشعار حافظ، تحت تأثیر قرار گرفت و این اشعار باعث شد تا او به خلق آثار جدیدی بپردازد. کوشل به این نکته اشاره می‌کند که خلاقیت گوته در این دوران به شکلی بی‌نظیر در ادبیات آلمان نمایان شده است.

۳. **دیوان غربی-شرقی**: کوشل بر این باور است که این اثر گوته، نه تنها یک مجموعه شعری، بلکه یک سند سیاسی و فرهنگی برای ترویج دیالوگ بین فرهنگ‌ها و ادیان است. او این اثر را نتیجه تلاش‌های گوته برای معرفی ادبیات فارسی و دین اسلام به خوانندگان آلمانی می‌داند.

۴. **چالش‌های امروز**: کوشل بر لزوم درک پیچیدگی‌های فرهنگ اسلامی و پرهیز از کلیشه‌ها تأکید می‌کند و می‌گوید که باید از رویکرد گوته برای فهم عمیق‌تری از اسلام و فرهنگ‌های شرقی استفاده کنیم.

https://www.fr.de/kultur/literatur/hafis-goethe-ein-solches-kreativitaetswunder-ist-ohne-beispiel-90782966.html?fbclid=IwAR20ksquITETnq_mSOEiObmYoSlaYiczAvUnaMEOU-Pg5F2jBHp42TK7Bek



یادبود گوته و حافظ در وایمار

این یادبود توسط هنرمندان ارنست تهویس و فابیان رابسچ طراحی شده است. صندلی‌ها از یک بلوک گرانیتی بزرگ بریده شده و نمایانگر دو بخش از یک کل هستند که در کنار هم می‌توانند بلوک اصلی را بازسازی کنند. این دو صندلی در جهت غربی-شرقی بر روی یک پایه برنزی که با تزئینات پر جزئیات ایرانی آراسته شده، قرار دارند. در مرکز این صفحه، اشعاری از حافظ با خط زیبایی فارسی حک شده و در دو انتهای صفحه، اشعار گوته قرار دارد.

در ۶۵ سالگی، گوته شاعر برجسته ایرانی، حافظ را کشف کرد. او دیوان حافظ را که به تازگی به زبان آلمانی ترجمه شده بود، مطالعه کرد و تحت تأثیر عمیق این اثر قرار گرفت. گوته، فراتر از مرزهای زمانی، جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی، ارتباطی عمیق با این شاعر قرن چهاردهم برقرار کرد و این ارتباط به او الهام بخشید تا مجموعه شعر معروف «دیوان غربی-شرقی» را خلق کند.



این یادبود به عنوان نمادی از ارتباط فرهنگی و احترام متقابل میان دو فرهنگ مختلف، به اهمیت گفت‌وگو و درک بین‌المللی اشاره می‌کند.

امروزه در میدان بتهوون در شهر وایمار در آلمان، دو صندلی سنگی به عنوان یادبودی برای حافظ و گوته به نمایش درآمده‌اند. این یادبود نمادی است از ارتباط فرهنگی، تساهل فرهنگی و تفاهم بین ملت‌ها. این اثر هنری که با همکاری یونسکو ایجاد شده، در سال ۲۰۰۰ به مناسبت سال بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها توسط محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران، و یوهانس راو، رئیس‌جمهور وقت آلمان، افتتاح گردید.



* یادبود حافظ در لایپزیگ *

یادبود حافظ در لایپزیگ، به یاد شاعر بزرگ ایرانی، حافظ شیرازی نصب شده است. این شاعر با آثارش، به ویژه «دیوان» خود، الهامبخش بسیاری از ادیبان از جمله گوته بوده است که «دیوان غربی-شرقی» را به یاد او سروده است. این یادبود در حدود سال ۱۹۷۲ و به احتمال زیاد به سفارش ایرانیان مقیم در آلمان شرقی، ایجاد شد و در سال ۱۹۹۶ نیز بازسازی گردید. هم‌اکنون این اثر تحت حفاظت آثار تاریخی قرار دارد.

یادبود حافظ در محله مويس‌دورف، در مقابل ملک شماره ۳۷ خیابان هولت‌اشتراسه و در تقاطع حافظ‌وگ واقع شده است. این خیابان از سال ۱۹۵۰ به نام حافظ نامگذاری شده است و پیش از آن، «لنگناو وگ» نام داشت.

یادبود به شکل یک ستون چهارگوش با ارتفاع ۱٫۶۰ متر از سنگ ماسه‌ای خاکستری ساخته شده است. در سمت جلویی این ستون، تصویر کامل شاعر و نام او به خط عربی نقش بسته است.

در سمت چپ ستون، اطلاعاتی در مورد حافظ و آثارش گنجانده شده است، به طوری که مشخص می‌شود او در چه قرنی زندگی کرده و دیوانش چه تأثیری بر ادبیات آلمانی گذاشته است. در سمت راست، بخشی از اشعار گوته درج شده که تأثیر عمیق حافظ بر او را نشان می‌دهد.

Foto. Von Martin Geisler – Eigenes Werk, CC BY-SA 3.0,
<https://commons.wikimedia.org/w/index.php?curid=45689797>



GERNSHEIM

Hafis

Eine Liederreihe

für Soli (SATB), gemischten Chor (SATB) und Klavier
for Soloists (SATB), Mixed Choir (SATB) and Piano
opus 56

Partitur / Score
(Meister)

ED 23512



SCHOTT

• آهنگساز ویکتور اولمان

در سال ۱۹۴۰ در پراگ - پیش از آنکه به اردوگاه کار اجباری تریزینشتات اعزام شود - تحت عنوان «کتاب آوازهای حافظ»، پنج شعر از ترجمه‌های هانس بتگه که در سال ۱۹۱۰ توسط انتشارات زدمرود منتشر شده بود، را آهنگسازی کرد.

• آهنگساز: فردریش گرنسهم

ویرایشگر: تریستان مایستر

حافظ - مجموعه‌ای از آواها برای تکخوان‌ها و گروه کر با همراهی پیانو

• آهنگساز فردریش گرنسهم (متولد ۱۷ ژوئیه ۱۸۳۹ در وورمس؛ درگذشته ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۶ در برلین) پیانیست، رهبر ارکستر، آهنگساز و مدرس موسیقی آلمانی از دوره رمانتیسم متأخر بود.

گرنسهم که از یک خانواده یهودی برجسته در وورمس در کنار رودخانه راین برخاسته بود، در دوران زندگی خود آهنگسازی بسیار موفق و مورد احترام بود. موسیقی او امروز شایسته بازشناسی است.

• مجموعه آواز «حافظ» نخستین بار در سال ۱۸۹۱ با همکاری گروه کر کنسرواتوار اشترن و ویلهلم برگر به‌عنوان نوازنده پیانو، در سالن کنسرت آکادمی آواز برلین اجرا شد. گرنسهم اشعار این مجموعه را از ترجمه‌های که جورج فردریش داومر در سال ۱۸۴۶ از بیش از ۲۰۰ شعر حافظ انجام داده بود، انتخاب کرد.

گرنسهم ۱۷ شعر، عمدتاً با موضوعات عشق، شراب و تجربه انسانی که همواره در حال تغییر و چرخش است، را به موسیقی درآورد و آن‌ها را در قالب ۱۳ قطعه با فرم‌ها و ترکیب‌های گوناگون تنظیم کرد.

محتوا:

۱. تکخوان و گروه کر: حافظ دعا می‌خواند
۲. تکخوان و گروه کر: بایست، بایست، ای آهوی گریزان!
۳. باریتون تکخوان: آنجا که تو هستی کجاست؟
۴. کوارتت تکخوان: بدان زلف‌هایت بند دل است
۵. تکخوان و گروه کر: زمان زندگی‌ام می‌گذرد
۶. سوپرانو تکخوان: من فقط یک چراغ کوچک هستم
۷. گروه کر: آیا بادهای دشمنانه به شدت می‌وزند؟
۸. دوئت: ای دل، چه خیر است؟
۹. گروه کر: من یک سمندر هستم

۱۰. باریتون تکخوان: آه، من راهب درمانده!

۱۱. گروه کر: ای شب زیبا!

۱۲. باریتون تکخوان: دعای صبحگاهی‌ام سرانجام
کارساز شد

۱۳. تکخوان و گروه کر: خداوند را ستایش کنید!

<https://www.schott-music.com/de/hafis-noc451062.html>

سینه مالالال درد است ای درینا مریمی
دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدی

چشم آسایش که دارد از سپهر تیزرو
ساقیا جامی به من ده تا یاسایم دمی

زیرکی را کفتم این احوال بین خندید و گفت
صعب روزی بوالعجب کاری پریشان عالمی

سو ختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل
شاه ترکان فارغ است از حال ما کورستی

در طریق عشبازی امن و آسایش بلاست
ریش باد آن دل که بادد تو خواهد مریمی

اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
رحروی باید جهان سوزی ز خامی بی غمی

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست
عالمی دیگر باید ساخت و از نو آدمی

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دحیم
کز نیش بوی جوی مولیان آید بهی

گریه حافظ چه بنجد پیش استغای عشق
کاندر این دریا نماید هفت دریا سبمی





* فال حافظ *

به دیوان حافظ، به ماجرای امتناع عده‌ای از نماز گزاردن بر جنازه او باز می‌گردد.

از حدود هفتاد سال پس از درگذشت حافظ، گزارش‌هایی از فال زدن به دیوان او در متون رسمی تاریخی آمده است.

از دوره صفویه به بعد، درباره تفأل به دیوان حافظ، حکایت‌های بسیار و بعضاً شگفت‌آوری پیوسته نقل می‌شده است که برخی از آن‌ها سخت مشهورند.

حسین کفوی در اواخر قرن دهم، قریب به ۱۴۰ حکایت از این دست را در کتابی به ترکی گرد آورد و نویسندگان دیگر ترک، شرح‌هایی نیز بر آن‌ها نگاشتند.

در رساله لطیفه غیبی اثر محمد بن محمد دارابی، از معاصران شاه عباس دوم صفوی، نیز حکایاتی از این دست آمده است.

۱ - گستره

در قلمرو زبان فارسی (ایران فرهنگی)، غیر از قرآن که با آن استخاره می‌کنند، برای فال زدن بیش از هر کتاب دیگری، از دیوان حافظ استفاده می‌شود. در خود دیوان حافظ نیز بارها به اصطلاح فال زدن اشاره شده است.

۲ - تاریخچه

ظاهراً فال گرفتن از دیوان حافظ، از مدت کوتاهی پس از درگذشت او رایج شده است (بنا بر قولی، شروع تفأل



۳ - باور عامیانه

باور عامیانه ایرانیان بر آن بود که حافظ از نیت و نیاز همگان خیر دارد و از همین روست که او را لسان الغیب خوانده‌اند.

۴ - در عصر حاضر

تفأل به دیوان حافظ، امروزه نیز متداول است، هر چند جنبه سرگرمی و تفنن برانگیزه‌های دیگر در این کار غلبه دارد

فال زدن به دیوان حافظ، یا در هنگام برگزاری جشن‌ها به ویژه در تیر ماه سیزده‌شو (تیرگان)، چهارشنبه آخر صفر، شب یلدا، چهارشنبه سوری و... انجام می‌شود. یا آن‌که عده‌ای به مناسبتی، مثلاً در شب‌نشینی‌های خانوادگی یا دوستانه، دور هم جمع می‌شوند و فال می‌گیرند.

۵ - فال‌خوان

بنا بر سنت، فال‌خوانی کار هر کسی نیست؛ فال‌خوان (اصطلاح فال‌گیر در این مورد به کار نمی‌رود)، غالباً فرد باسواد و محترمی است که نزد حاضران در جمع، حائز ارج و اعتبار است. معمولاً در خانواده‌ها، کار فال خواندن بر عهده بزرگ و ریش‌سفید خاندان نهاده می‌شود.

۶ - شیوه

فال‌خوان، برای هر یک از حاضران در مجلس، یا از سمت راست و به ترتیبی که افراد در مجلس نشسته‌اند، یا به ترتیب سن و موقعیت اجتماعی حاضران، یا بر حسب قرعه فال می‌گیرد. گاه برای افراد غایب نیز فال می‌گیرند.

فال‌خوانی و انتخاب غزل نیز آداب و شرایطی دارد. فال‌خوان، دیوان حافظ را همچون کتابی مقدس در دست می‌گیرد و رو به قبله می‌نشیند، ابتدا صاحب فال، نیت

می‌کند و سپس فال‌خوان با سر انگشت و معمولاً با چشمان بسته، صفحه‌ای را نشان می‌کند و می‌گشاید.

غزل فال، اولین غزل درج شده در صفحه راست است و اگر شروع غزل از صفحه قبل باشد، فال‌خوان یک ورق به عقب بر می‌گردد و غزل را از مطلع آن می‌خواند. غزلی را که پس از غزل فال قرار دارد، شاهد فال تلقی می‌کنند.

۷ - باورهای غلط

بنا بر باور عامیانه، در تفأل به دیوان حافظ، باید او را به شاخ نبات، که معشوق وی بوده، قسم داد و گرنه فال، وصف الحال نیت‌کننده در نخواهد آمد؛ همچنین قسم‌های متنوع دیگر و نیز نذرهایی برای مزار حافظ در این‌باره معمول بوده است.

۸ - تشخیص دلالت غزل

تشخیص دلالت غزل فال و پذیرفتن آن، به فحوای غزل بستگی دارد که طبعاً فرد صاحب فال، آن را بنا بر وضع روحی و شرایط عاطفی و احساسی خود تعبیر می‌کند و معمولاً همواره بیت، مصرع یا عبارتی از غزل را وصف الحال خود می‌یابد و به اصطلاح، از خواجه جواب می‌گیرد.

۹ - پژوهش‌های مستند

نخستین پژوهش مستند درباره فال زدن به دیوان حافظ، که در ۱۳۶۷ ش به سرپرستی محمود روح‌الامینی با





رایست راه عشق که هچش کناره نیست
آنجا جز آن که جان بپارند، چاره نیست

حرکه که دل به عشق دهبی خوش دمی بود
در کار خیر حاجت بیج استخاره نیست

ما را از منع عقل مترسان و می یار
کان شخه در ولایت مابیح کاره نیست

از چشم خود پیرس که مارا که می کشد؟
جاناگناه طالع و جرم ستاره نیست

اورا به چشم پاک توان دید چون حلال
حردیده جای جلوه آن ماه پاره نیست

فرصت شمر طریقه زندگی که این نشان
چون راه کج بر همه کس آشکاره نیست

نکرفت در توگریه حافظ به بیج رو
حیران آن دلم که کم از سنگ خاره نیست

بررسی بیش از دو هزار سند از سراسر ایران و تحلیل
۱۰۵ سند انجام گردید، در ۱۵۰ صفحه در ۱۳۶۹ ش
در تهران منتشر شد.

۱۰ - فهرست منابع

محمدابراهیم باستانی پاریزی، «حافظ چندین هنر»، در
حافظشناسی، بهکوشش سعید نیازکرمانی، تهران:
پژنگ، ۱۳۶۶ ش.

حاجی خلیفه، سلم الوصول الی طبقات الفحول.

شمس‌الدین محمد حافظ، دیوان، چاپ محمد قزوینی و
قاسم غنی، تهران ۱۳۶۲ ش.

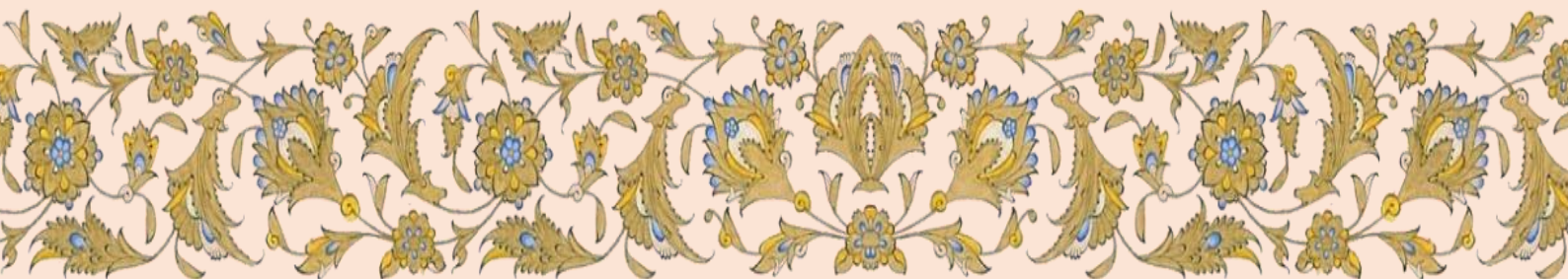
محمد بن محمد دارابی، لطیفه غیبی: حاوی توضیح
اشعار مشکله حضرت خواجه شمس‌الدین محمد حافظ
شیرازی، شیراز: کتابفروشی احمدی، (بی‌تا).

محمود روح‌الامینی، به شاخ‌نباتت قسم: باورهای عامیانه
در باره فال حافظ، تهران ۱۳۶۹ ش.

کیوان سمیعی، «فال بوسیله دیوان حافظ»، در
حافظشناسی، بهکوشش سعید نیازکرمانی، تهران: گنج
کتاب، ۱۳۶۴ ش.

ابوبکر طهرانی، کتاب دیار بکریه، چاپ نجاتی لوغال
و فاروق سومر، آنکارا ۱۹۶۲-۱۹۶۴، چاپ افست
تهران ۱۳۵۶ ش.

شیرعلیخان بن علی امجدخان لودی، تذکره مرآة الخیال،
چاپ محمدملک الکتاب شیرازی، بمبئی ۱۳۲۴؛





* * کارت فال حافظ به زبان آلمانی * *

این مجموعه شامل کارت‌هایی با ابعاد ۷۶ در ۱۲۷ میلی‌متر و با لبه‌های طلایی است که در یک جعبه با کیفیت و با چاپ طلا ارائه می‌شود. انتشار این اثر در تاریخ ۳ مه ۲۰۲۳ به‌عنوان یکی از بهترین کارت‌های فال موجود، امید به الهام‌گیری و دستیابی به زندگی‌ای سرشار از نشاط و آرامش را در دل خوانندگان زنده می‌کند.

<https://www.amazon.de/Die-Weisheit-Hafis-Orakelkarten-Weisheitskarten/dp/3868267956>

حافظ، محبوب‌ترین شاعر ایرانی، با اشعارش شما را به یادآوری حکمت اصلی درون‌تان دعوت می‌کند. این کارت‌های فال که شامل ۴۵ متن شاعرانه از این معلم معنوی و شاعر صوفی (حدود ۱۳۸۹-۱۳۲۰) هستند، شما را به درون‌نگری، الهام‌گیری و کشف افق‌های تازه تشویق می‌کنند.

هر کارت حاوی پیامی است که شما را به تأمل وادار می‌دارد و متون موجود در دفترچه راهنما توضیحات لازم دربارهٔ زمینه، هدف و روش کار را ارائه می‌دهند. طراحی‌های زیبا و الهام‌بخش این کارت‌ها، همراه با متون عاطفی، می‌کوشند نوری در قلب شما روشن کنند و شما را در مسیر زندگی‌ای پر از آرامش و معنا یاری دهند.

کلام آخر

افرادی بسیاری در گذر زمان آمده اند و رفته اند و تنها چیزی که از آن‌ها باقی مانده، آثار گرانبهای است که برخاسته از تفکر روشن‌شان است، مادر منم، زمانم، بوده است. حافظ شیرازی، بزرگ‌ترین شاعران ما، به عقیده بسیاری، بهترین شاعر تاریخ ایران است.